

ارزیابی پایداری مالیاتی و ریسک مالیاتی آتی شرکت با تأکید بر نوع مالکیت

فرشته دارش^۱

سید علی واعظ^۲

مهدی بصیرت^۳

احمد کعب عمیر^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۸

چکیده

بر اساس تئوری نمایندگی، یکی از انگیزه‌های مدیریت سود، کاهش تعهدات و پرداخت‌های مالیاتی از طریق کمینه‌سازی نرخ مؤثر مالیات است. استراتژی‌های مالیاتی یا با اهداف کوتاه مدت و فرصت طلبانه، نرخ مؤثر مالیاتی را کاهش می‌دهند یا با هدف کاهش مالیات در بلندمدت و ایجاد ارزش برای شرکت، هدف این پژوهش ارزیابی پایداری مالیاتی و ریسک مالیاتی آتی با کمک نرخ مؤثر مالیات در شرکت‌های دارای مالکیت دولتی و خصوصی، در بورس اوراق بهادار تهران، برای بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ در نمونه‌ای مشتمل بر ۱۵۹ شرکت است. نتایج نشان می‌دهد شرکت‌های با نرخ مؤثر مالیاتی بالاتر، پایداری مالیاتی بیشتری دارند.

واژه‌های کلیدی: تئوری نمایندگی، نرخ مؤثر مالیات، پایداری مالیاتی، ریسک مالیاتی آتی، مالکیت دولتی

۱. دانشجوی دکترا، گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران، freshtedarash@gmail.com

۲. استادیار مدعو، گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران / گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی،

دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)، sa.vaez@gmail.com

۳. استادیار، گروه اقتصاد، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران، Mehdi.basirat@yahoo.com

۴. مربی، گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران، kaab.acc@gmail.com

۱- مقدمه

بر اساس تئوری نمایندگی^۱، حق تصمیم‌گیری به مدیران واگذار می‌شود و مدیران نیز در تلاشند هزینه‌های نمایندگی را کاهش داده و با گزارشگری مالی، عملکرد خود را به خوبی منعکس نمایند (گادفری و هادسون، ۲۰۱۳: ۶۸؛ مهرانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۳۶). بنابراین بر اساس دیدگاه قراردادی که بین پاداش مدیران و سود گزارش شده، رابطه مستقیمی تعریف می‌کند، مدیران انگیزه لازم برای مدیریت سود^۲ را خواهند داشت (دیگان، ۱۹۶۰: ۳۰۷؛ مهرانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۳۸). یکی از انگیزه‌های مدیریت سود، کاهش تعهدات و پرداخت‌های مالیاتی است (پورحیدری و شفیعی همت آباد، ۱۳۹۲: ۲۶). به عقیده ایتو (۲۰۰۷، ۶۸) مدیران با بهره‌برداری از الگوی خانه تکانی^۳، به وسیله انتقال هزینه‌های دوره‌های آتی به دوره‌های جاری و تأخیر در شناخت درآمدها، در جهت حداقل‌سازی سود و کاهش نرخ مؤثر مالیاتی^۴ در دوره جاری تلاش می‌کنند. نرخ مؤثر مالیاتی عبارتست از نرخ واحد که بر اساس آن از فعالیت مشمول مالیات، مالیات اخذ می‌شود (آقایی، ۱۳۸۰: ۱۲۵). نرخ قانونی مالیات در ایران بر اساس قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحیه ۱۳۹۴/۰۴/۳۱ و اصلاحیه‌های قبل از آن معادل ۲۵٪ است اما نرخ مؤثر مالیاتی متفاوت از نرخ قانونی بوده (حسینی و شفیعی، ۱۳۸۹: ۱۲۸) که دلیل آن استفاده از معافیت‌های مالیاتی یا راهکارهای اجتناب مالیاتی است (گلستانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸۲). مطالعات مختلف نیز نشان می‌دهد که چگونه شرکت‌ها با استفاده از راهکارهای اجتناب مالیاتی^۵ سعی در کاهش نرخ مؤثر مالیاتی دارند (برای نمونه دایرنگ و لیندسی، ۲۰۰۹، گراهام و همکاران، ۲۰۱۴، جنتر و همکاران، ۲۰۱۷). در واقع اجتناب مالیاتی انعکاسی از تئوری نمایندگی است (خانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۹).

روش‌های اجتناب مالیاتی که منجر به کاهش نرخ مؤثر مالیات در حال حاضر می‌شوند، ممکن است در آینده استمرار نیابند یا زمان استفاده از معافیت‌ها و تشویق‌های مالیاتی در آینده منقضی شود. همچنین اعمال مدیریت سود کاهنده و انتقال هزینه‌های دروه آتی به دوره جاری، سود دوره آتی را افزایش می‌دهد (هیلی وال، ۱۹۸۵: ۱۶). در این صورت شرکت نرخ مؤثر مالیات بالاتری را در آینده تجربه خواهد نمود و پایداری مالیاتی^۶ شرکت تحت تأثیر راهکارهای کاهنده نرخ مؤثر مالیاتی قرار خواهد گرفت (دایرنگ و همکاران، ۲۰۰۸: ۶۵؛ جنتر و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۱۸). پایداری مالیاتی، استراتژی‌ای است که در نتیجه آن سود قبل از کسر مالیات تغییرات کمی دارد (دایرنگ و همکاران، ۲۰۱۴: ۴) و بر حفظ و نگهداری نتایج اجتناب مالیاتی در طول زمان متمرکز است. پایداری

1. Agency Theory
2. Earning Management
3. Taking a bath
4. Effective Tax Rate
5. Tax Avoidance
6. Tax Persistent

مالیاتی به معنای پایداری در سود بعد از کسر مالیات و قابلیت پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی است که در بلند مدت برای شرکت ایجاد ارزش می‌نماید (مک‌گوایر و همکاران، ۲۰۱۳: ۲). کمیته‌سازی نرخ مؤثر مالیات، همچنین منجر به ایجاد هزینه‌هایی از جمله جرایم مالیاتی و هزینه‌های تأمین مالی اضافی برای شرکت شده و باعث کاهش نقدینگی در آینده، ابهام در پرداخت‌های مالیاتی آتی و افزایش ریسک مالیاتی^۱ گردد (هاتچز و ریگو، ۲۰۱۵: ۶). ریسک مالیاتی نشان دهنده نوسان نرخ مالیات (جنتر و همکاران، ۲۰۱۳: ۴؛ نیومن و همکاران، ۲۰۱۳: ۵) و عدم قطعیت در خصوص پرداخت‌های مالیاتی در آینده است (بادرچر و همکاران، ۲۰۱۳: ۲۳۴، جنتر و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۲۰؛ هاتچز و ریگو، ۲۰۱۵: ۵). بنابراین کمیته‌سازی نرخ مؤثر مالیاتی، می‌تواند پیش‌بینی پرداخت‌های مالیاتی را با ابهام همراه نماید و بر کاهش پایداری مالیاتی و افزایش ریسک مالیاتی آتی اثرگذار باشد. رضایی و ویسی حصار (۱۳۹۳) معتقدند بر اساس نظریه ذینفعان، نوع مالکیت نیز بر پرداخت‌های مالیاتی اثرگذار است. زیرا شرکت‌های دارای مالکیت دولتی^۲ این اطمینان را دارند که کسری وجه نقد آنها توسط نهادهای دولتی و بانک‌ها به راحتی تأمین می‌شود و نگران پرداخت‌های مالیاتی نیستند (رضایی و جعفری نیارکی، ۱۳۹۴). لذا با توجه به عدم نگرانی شرکت‌های دارای مالکیت دولتی نسبت به کسری وجه نقد، انتظار می‌رود مالکیت دولتی، انگیزه استفاده از اجتناب مالیاتی و ریسک مالیاتی آتی را کاهش دهد.

یکی از انگیزه‌های اصلی انجام پژوهش حاضر، اهمیت سهم درآمدهای مالیاتی در بودجه کشور و راه‌اندازی طرح جامع مالیاتی با تأکید بر حسابرسی مبتنی بر ریسک، از طرف سازمان امور مالیاتی کشور است. بدین معنا که شرکت‌های با ریسک مالیاتی کمتر، ریسک حسابرسی پایین‌تری دارند و بر اساس ماده ۹۷ قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحیه ۱۳۹۴/۰۴/۳۱، اظهارنامه مالیاتی چنین شرکت‌هایی بدون حسابرسی مالیاتی، پذیرفته می‌شود. لازم به ذکر است در این پژوهش متغیر پایداری مالیاتی معرفی می‌شود که تا کنون در میان پژوهش‌های داخلی معرفی نگردیده و روشی برای اندازه‌گیری آن ارائه نشده است. بنابراین هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی تأثیر نرخ مؤثر مالیاتی بر پایداری مالیاتی و ریسک مالیاتی آتی و انتظار می‌رود نتایج پژوهش چنین دستاوردهایی به همراه داشته باشد: نخست گسترش متون رشته حسابداری در زمینه حداقل‌سازی مالیات، پایداری مالیاتی و افزایش ارزش شرکت. دوم، ارائه اطلاعات مفید به نهادهای قانون‌گذار و استانداردها و مدیران شرکت‌ها به منظور اهمیت بررسی ریسک مالیات و تأثیر آن در حسابرسی مالیاتی و مشمولیت ماده ۹۷ ق.م.م. برای شرکت. سوم، ایجاد انگیزه برای سایر پژوهشگران به منظور انجام پژوهش در حوزه استراتژی‌های مالیاتی، چهارم، تعریف شاخص‌های ارزیابی عملکرد مناسب برای مدیران شرکت‌های دولتی در زمینه پرداخت‌های مالیاتی.

1. Tax Risk

2. Government Ownership

ساختار مقاله شامل هفت بخش است. در بخش اول مقدمه، بخش دوم مبانی نظری، بخش سوم پیشینه پژوهش، بخش چهارم روش شناسی، بخش پنجم یافته‌ها و بخش ششم نتیجه‌گیری و پیشنهادات کاربردی ارائه می‌شود.

۲- مبانی نظری

بر اساس تئوری نمایندگی، پاداش مدیران ابزاری برای غلبه بر مشکل تضاد منافع بین مدیران و مالکان و انگیزه‌ای جهت همسو نمودن منافع طرفین است. از آنجا که سود شرکت، معیاری جهت محاسبه پاداش است، مدیران نیز به منظور کسب پاداش بیشتر، از روش‌های مدیریت سود کمک می‌گیرند (شباهنگ، ۱۳۸۷: ۲۰۴). یکی از انگیزه‌های مدیریت سود، کاهش پرداخت‌های مالیاتی است (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۷: ۳). بر اساس فرضیه مدیریت سود، مدیران با دو هدف اقدام به استفاده از راهکارهای اجتناب مالیاتی و کمینه‌سازی نرخ مؤثر مالیاتی می‌نمایند. یا در جهت منافع سهامداران و با انگیزه کاهش تعهدات مالیاتی (فیلیپس، ۲۰۰۳: ۸۵۲) و یا در جهت منافع خود و با هدف فرصت‌طلبی نرخ مؤثر مالیات را پایین‌تر نشان داده و پرداخت‌های مالیاتی را کاهش می‌دهند (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۹: ۱۷۳). بنابراین اجتناب مالیاتی انعکاسی از تئوری نمایندگی است (خانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۹). تفاوت بین مالیات ابرازی و مالیات قطعی، نشان دهنده میزان اجتناب مالیاتی است.

اجتناب مالیات در قالب طیف وسیعی از فعالیت‌های کاهش مالیات، از سرمایه‌گذاری‌های سودمند مالیاتی (مانند اوراق قرضه دولتی^۱ معاف از مالیات) گرفته تا استراتژی‌های جسورانه که برای شرکت چالش برانگیز باشد، تعریف می‌شود (دایرنگ و همکاران، ۲۰۱۴: ۷). اعمال فعالیت‌های اجتناب مالیاتی با هدف کاهش نرخ مؤثر مالیاتی در کوتاه مدت، پایداری مالیاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (مک گوایر و همکاران، ۲۰۱۳: ۳). دایرنگ (۲۰۱۴: ۸) عنوان می‌کند که پایداری مالیاتی به معنای اجتناب مالیاتی بلند مدت است. پایداری مالیاتی بر کمینه‌سازی مالیات متمرکز نیست بلکه بر حفظ پیامدهای اجتناب مالیاتی، بدون در نظر گرفتن کمینه‌سازی مالیات، در طول زمان متمرکز است (مک گوایر و همکاران، ۲۰۱۳: ۳) و در مقابل، حداقل سازی مالیات بر میزان تعهدات مالیاتی در یک دوره معین توجه دارد و نسبت به حفظ رویه‌های اجتناب مالیاتی و پایین نگه داشتن نرخ مالیات در آینده، بی‌توجه است (نیومن، ۲۰۱۶: ۱۰۵). مؤسسه حسابداری کی. پی. ام. جی، یکی از چهار مؤسسه بزرگ، طی گزارشی در سال ۲۰۰۷ نشان دادند که پایداری مالیاتی، هدف بلند مدت برای شرکت هاست. زیرا از دید تحلیلگران مالی، تغییرات غیر منتظره در نرخ مالیات نشانه‌ای از ضعف مدیریت است. همچنین دیلویت (۲۰۱۳) معتقد است تحلیلگران بازار و برنامه‌ریزان مالیاتی به دنبال پیامدهای پایداری مالیات هستند زیرا این فعالیت‌ها در بلندمدت برای شرکت ایجاد ارزش می‌نماید. مدیران شرکت‌هایی که با استفاده از روش‌های

1. Government Bonds

مدیریت سود، مانند تغییر در رویه‌های حسابداری، انجام برآوردهای حسابداری، اعمال اختیار در شناسایی درآمد و هزینه، انتقال درآمد و هزینه درون گروهی و ...، از الگوی حداقل رساندن سود استفاده می‌کنند، در دوره‌های جاری نرخ مؤثر مالیات پایین‌تری دارند اما در دوره‌های آینده سود بالاتری شناسایی می‌کنند و به دنبال آن متعهد به پرداخت مالیات بیشتری خواهند شد، چرا که هدف آنها کاهش مالیات در کوتاه مدت بوده است (هیلی و پاپلو، ۱۹۹۳: ۶۴). به عقیده دایرنگ و همکاران (۲۰۱۴) اگر شرکت با استفاده از اجتناب مالیاتی، موقعیت‌های غیرقانونی یا صرفه‌جویی‌های کوتاه مدت مالیاتی، نرخ مؤثر مالیات را پایین نگه دارد، در آینده که فرصت‌های اجتناب مالیاتی منقضی و موقعیت‌های غیرقانونی از طرف قانون رد می‌شوند، با پرداخت مالیات بیشتر و جرایم مواجه شده و نرخ مؤثر مالیات افزایش می‌یابد. در این صورت نرخ مؤثر مالیات پایین در زمان حال، نرخ مؤثر مالیات بالاتر را در آینده در پی خواهد داشت (جنتر و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۱۹) و این به معنای پایداری مالیاتی کمتر برای شرکت‌های با نرخ مؤثر مالیات پایین‌تر است. بر اساس مطالب ارایه شده، فرضیه اول پژوهش به شرح ذیل تدوین شده است و انتظار می‌رود شرکت‌های با نرخ مؤثر مالیات پایین‌تر، پایداری مالیاتی کمتری داشته باشند:

فرضیه اول: نرخ مؤثر مالیاتی پایین، نسبت به نرخ مؤثر مالیات بالا، پایداری کمتری دارد.

شرکت‌هایی که نرخ مؤثر مالیاتی پایین دارند، ریسک مالیاتی بالاتری نیز دریافت می‌کنند (ریگو و ویلسون، ۲۰۱۲: ۷۸۸؛ جنتر و همکاران، ۲۰۱۳: ۸). ریسک مالیاتی نشان‌دهنده نوسان نرخ مالیات (نیومن و همکاران، ۲۰۱۳) و عدم قطعیت در خصوص پرداخت‌های مالیاتی در آینده است (بادرچر و همکاران، ۲۰۱۳: ۲۳۷؛ ریگو و هاتچز، ۲۰۱۵: ۶؛ جنتر و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۰۹). بر اساس مطالعات مختلف انجام شده در این زمینه، بادرچر و همکاران (۲۰۱۳) رابطه مثبتی بین مالکیت مدیریتی و نرخ مؤثر مالیات یافتند. شولین و همکاران (۲۰۱۳: ۱) معتقدند شرکت‌های با نرخ مؤثر مالیات پایین، در زمان دریافت وام، نرخ بهره بانکی بالاتری را متحمل می‌شوند. حسن و همکاران (۲۰۱۴: ۱۰۹) نشان دادند با افزایش مالکیت مدیریتی، شرکت‌ها از ریسک ذاتی استراتژی‌های مالیاتی دوری می‌جویند. چن و همکاران (۲۰۱۰: ۴۲) نشان دادند که شرکت‌های با مالکیت خانوادگی، نرخ مؤثر مالیات بالاتری دارند. این نتایج مبین این است که مدیران از راهکارهای اجتناب مالیاتی که نرخ مؤثر مالیات را کاهش می‌دهند، دوری می‌جویند تا مجبور به تحمل ریسک بالاتر نشوند. بنابراین نرخ مؤثر مالیات یک عامل مهم برای پیش‌بینی ریسک مالیاتی آتی است. شرکت‌ها با استفاده از اجتناب مالیاتی، موقعیت‌های غیرقانونی یا صرفه‌جویی‌های کوتاه‌مدت مالیاتی، نرخ مؤثر مالیات را پایین نگه می‌دارند. اما از آنجایی که راهکارهای اجتناب مالیاتی توسط نهادهای مالیاتی کنترل می‌شوند و یا استمرار مشوق‌های مالیاتی در آینده در کار نخواهد بود، در زمان عدم پذیرش موقعیت‌های مالیاتی از سوی قانون و یا منقضی شدن فرصت‌های کوتاه مدت صرفه‌جویی

مالیات، شرکت با ابهام نسبت به پرداخت‌های مالیاتی در آینده مواجه شده و ریسک مالیاتی شرکت افزایش می‌یابد (جنتر و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۲۰). فرضیه دوم پژوهش نیز بر همین اساس تدوین شده است.

فرضیه دوم: نرخ مؤثر مالیاتی بر ریسک مالیاتی آتی اثر دارد.

فرضیه اول به بررسی قابلیت پیش‌بینی نرخ مالیات می‌پردازد که بر اساس آن پایداری کمتری برای نرخ مؤثر مالیات پیش‌بینی می‌شود و فرضیه دوم بر استراتژی‌های مالیاتی متمرکز است که در نتیجه آن ابهام در خصوص پرداخت‌های آتی مالیات مطرح است.

حضور سرمایه‌گذاران مختلف در ساختار مالکیت شرکت‌ها، بر نحوه حاکمیت و سیاست‌های شرکت اثرگذار است (انار و همکاران، ۲۰۱۴: ۶۲). سازمان‌های دولتی و شبه دولتی با سرمایه‌گذاری قابل توجه در شرکت‌ها، کنترل آنها را به دست می‌گیرند و این اطمینان برای شرکت حاصل می‌شود که بانک‌ها و نهادهای دولتی، کسری وجه نقد آنها را تأمین خواهند نمود (رضایی و جعفری نیارکی، ۱۳۹۴). لذا شرکت‌های با مالکیت دولتی، به دلیل عدم نگرانی از کاهش نقدینگی، انگیزه کمتری برای اجتناب مالیاتی دارند. بنابراین انتظار می‌رود که نرخ مؤثر مالیاتی در شرکت‌های با مالکیت دولتی بیشتر از شرکت‌های با مالکیت خصوصی باشد. همچنین انتظار می‌رود که مالکیت دولتی بر رابطه نرخ مؤثر مالیاتی و ریسک مالیاتی آتی اثر بگذارد. بر همین اساس فرضیه‌های سوم و چهارم پژوهش تعریف می‌شوند.

فرضیه سوم: نرخ مؤثر مالیاتی بر ریسک مالیاتی آتی اثر دارد.

فرضیه چهارم: مالکیت دولتی بر رابطه نرخ مؤثر مالیاتی و ریسک مالیاتی آتی اثر دارد.

۳- پیشینه پژوهش

مجموعه مطالعاتی از پژوهشگران مختلف نشان می‌دهد که تلاش برای کاهش در پرداخت‌های مالیاتی، ریسک مالیاتی شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای نمونه، نیومن و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی که به منظور ارزیابی ریسک انجام دادند، برای شناسایی معاملات، فعالیت‌ها و ویژگی‌هایی که بر ریسک مالیاتی مؤثر است از شش منبع (معاملات، عملکرد، قرارداد، حسابداری مالی، حسابداری مدیریتی و ریسک اعتباری) استفاده کردند. پژوهش آنها در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ در شرکت‌های ایالات متحده انجام شد و نتایج نشان داد که که رابطه‌ای منفی بین ریسک مالیاتی و نرخ مؤثر مالیاتی بلندمدت وجود دارد و ریسک مالیاتی نیز پایداری مالیاتی را کاهش می‌دهد. نتایج رگرسیون کوانتیل نیز نشان داد که ریسک مالیاتی منجر به افزایش نرخ مؤثر مالیاتی در آینده می‌گردد. دایرنگ و همکاران (۲۰۱۴: ۲) پژوهشی در این خصوص که آیا اجتناب مالیاتی ناشی از ریسک مالیاتی است در فاصله سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ انجام دادند. نتایج نشان

داد شرکت‌هایی با نرخ مؤثر مالیات پایین، ریسک مالیاتی بالاتری دارند. این شرکت‌ها از پناهگاه‌های مالیاتی هزینه‌های بالای پژوهش و توسعه و استراتژی قیمت‌گذاری انتقالی استفاده می‌کنند. به اساس پژوهش نیومن و همکاران (۲۰۱۳) پایداری سود قبل از کسر مالیات، شدت رابطه بین نرخ مؤثر مالیاتی و ریسک مالیاتی را کاهش می‌دهد. نیومن و همکاران (۲۰۱۳: ۲) در فاصله سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۹ به بررسی این موضوع پرداختند که آیا ریسک مالیاتی، نرخ مؤثر مالیات شرکت‌ها را کاهش می‌دهد؟ نتایج نشان داد که بین ریسک مالیاتی با نرخ مؤثر مالیات نقدی آتی و مالیات بر عملکرد رابطه‌ای منفی وجود دارد. جنتر و همکاران (۲۰۱۳) نیز به بررسی اثر سیاست‌های مالیاتی بر ریسک شرکت در فاصله سال‌های ۱۹۸۷ تا ۲۰۱۱ با استفاده از داده‌های مندرج در پایگاه اطلاعات مالی و آماری پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که ریسک مالیاتی ارتباطی مثبت با ریسک کلی شرکت دارد. اما جنتر و همکاران (۲۰۱۷: ۱۱۵) با در نظر گرفتن دو معیار میزان مالیات نقد پرداختی و میزان هزینه‌های مالیاتی، در میان بانک‌ها و شرکت‌های بیمه در فاصله سال‌های ۱۹۸۷ تا ۲۰۱۱، تأثیرگذاری نرخ مؤثر مالیاتی را بر پایداری مالیاتی و ریسک شرکت بررسی کردند. آنها دریافتند که نرخ مؤثر مالیاتی پایین‌تر، پایداری بیشتری نسبت به نرخ مؤثر مالیاتی بالاتر دارد. همچنین بین نرخ مؤثر مالیاتی و ریسک مالیاتی رابطه پیدا نکردند که این نتایج مخالف نتایج بدست آمده در پژوهش‌های فوق است. ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶) با واکاوی کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی در پرتو مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی در میان ۱۰۶ شرکت در فاصله سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ نشان دادند که مالکیت دولتی اثر معناداری بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها ندارد. در مطالعه‌ای دیگر، اعتمادی و همکاران (۱۳۹۶: ۱) با بررسی ریسک سیاست‌گذاری‌های مالیاتی در میان ۱۱۴ شرکت در فاصله سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۴، نشان دادند کاهش نرخ مؤثر مالیاتی اثر منفی بر بی‌ثباتی وضعیت مالیاتی در طول زمان دارد. به این معنا که شرکت‌های با نرخ مؤثر مالیات کمتر، نمی‌توانند پرداخت مالیات کمتر در طول زمان ثابت نگه دارند و بنابراین ریسک مالیاتی آنها بالا است. در پژوهشی که کنگرلویی و همکاران (۱۳۹۵: ۲۵) در میان ۶۸ شرکت در فاصله سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۳ انجام دادند معلوم گردید کیفیت افشاء شرکت بر رابطه اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت تأثیر دارد. مرعی اذکاری و رضایی (۱۳۹۴: ۱) ریسک مالیاتی را در فاصله زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۱ در میان ۹۰ شرکت مطالعه کردند. نتایج حاکی از آن است که بین ریسک مالیاتی بر اساس معیارهای نرخ مؤثر مالیات نقدی و نرخ مؤثر مالیات نقدی بلند مدت با ریسک آتی شرکت رابطه مثبت و معناداری برقرار است ولی بین ریسک مالیاتی بر اساس معیار اختلاف دائمی مالیات با ریسک آتی شرکت رابطه‌ای یافت نشد. قربانی و همکاران (۱۳۹۳: ۱) تأثیر اجتناب مالیاتی بر ریسک شرکت را نشان دادند. این پژوهش طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ در میان ۶۱

شرکت انجام شده است. نتایج نشان داد که بین اجتناب مالیاتی مالیاتی و ریسک شرکت با وجود مالکان نهادی رابطه معناداری وجود ندارد.

۴- روش شناسی پژوهش

این پژوهش در حوزه پژوهش‌های اثباتی مالی قرار می‌گیرد و ماهیت آن توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی پژوهش سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ می‌باشد. همچنین به منظور اندازه‌گیری متغیرها از داده‌های سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۵ استفاده شده است. نحوه انتخاب نمونه، با اعمال محدودیت‌های زیر و به روش حذف سیستماتیک انجام می‌شود:

۱. سال مالی شرکت بایست منتهی به پایان اسفند هر سال باشد.
 ۲. کلیه داده‌های مورد نیاز برای محاسبه متغیرها در دسترس باشد.
 ۳. شرکت‌ها به‌طور کلی معاف از پرداخت مالیات نباشند.
 ۴. شرکت‌های نمونه جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه و بانک نباشند.
- پس از اعمال محدودیت‌های فوق تعداد ۱۵۹ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب شد.

۴-۱- مدل آزمون فرضیه اول

به منظور بررسی پایداری مالیاتی، اطلاعات به صورت طیف بررسی می‌گردند. بدین معنا که پایداری مالیاتی برای یکایک شرکت‌ها محاسبه نمی‌شود بلکه از اطلاعات کلیه شرکت‌های موجود در نمونه آماری، برای بررسی رفتار پایداری مالیاتی در سطح کل شرکت‌های مورد آزمون، استفاده می‌گردد. برای آزمون فرضیه اول پژوهش از مدل زیر مطابق با جنتر و همکاران (۲۰۱۷) استفاده شده است.

$$ERT_{it} = \beta_0 + \beta_1 Cash ETR_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۱)}$$

Cash ETR_{it}: نرخ مؤثر مالیات شرکت i در سال t. نرخ مؤثر مالیاتی بلندمدت به شرح زیر محاسبه می‌شود:

$$Cash ETR_{it} = \frac{\sum_{n=1}^{n=5} (\text{مالیات پرداخت شده})}{\sum_{n=1}^{n=5} (\text{سود قبل از مالیات})}$$

مالیات پرداخت شده اشاره به مجموع مالیات ابرازی پرداختی توسط شرکت در ۵ سال گذشته می‌باشد. مزیت اصلی این معیار نسبت به نرخ مؤثر مالیاتی سالیانه، ماهیت بلندمدت محاسباتی آن است که از بیثباتی سال به سال در نرخ‌های مؤثر مالیاتی جلوگیری می‌کند و ارتباط بهتری بین مالیات‌های پرداخت شده و سودهای

مشمول مالیات برقرار می‌کند (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰).

$ETR_{Quintile}_{it}$: پایداری مالیاتی شرکت i در سال t . اگر نرخ مؤثر مالیاتی شرکت، نسبت به سال قبل تغییر نکرده باشد، متغیر پایداری نرخ مؤثر مالیاتی، عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ را به خود اختصاص می‌دهد. به عبارت دیگر چنانچه نرخ مالیات شرکت نسبت به سال قبل تغییری نداشته باشد، نرخ مالیاتی شرکت پایدار است. برای تخمین مدل فوق، ابتدا داده‌ها به پنج دسته طبقه‌بندی می‌شوند. بدین ترتیب که متغیر نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها بر اساس داده‌های دسته‌بندی شده و از کمترین تا بیشترین نرخ مؤثر مالیاتی مرتب و در پنج طبقه، پرتفوبندی و طبقات از نرخ مؤثر مالیات پایین‌تر تا نرخ مؤثر مالیات بالاتر در نظر گرفته می‌شوند. سپس مدل فوق به صورت جداگانه و به روش رگرسیون لجستیک، برای هر پرتفو تخمین زده می‌شود و نتایج حاصل از تخمین مدل‌ها با هم مقایسه می‌شوند. چنانچه در مدل پرتفوی اول، ضریب متغیر نرخ مؤثر مالیاتی منفی باشد، نشان می‌دهد که نرخ‌های مؤثر مالیاتی پایین‌تر، پایداری کمتری دارند و در مدل پرتفوی پنجم، مثبت بودن ضریب نرخ مؤثر مالیاتی نشان می‌دهد که نرخ‌های مؤثر مالیاتی بالاتر، پایداری بیشتری دارند.

۴-۲- مدل آزمون فرضیه دوم

برای آزمون فرضیه دوم پژوهش از مدل (۲)، مطابق با پژوهش جنتر و همکاران (۲۰۱۷) استفاده شده است.

مدل (۲) $Cash_ETR_Volatility_{t+1-5}$

$$\begin{aligned} &= \alpha_0 + \alpha_1 Cash_ETR_{it} + \alpha_2 SIZE_i + \alpha_3 PTBI_t \\ &+ \alpha_4 Leverage_{it} + \alpha_5 Vol_PTBI_{it} + \alpha_6 BTM_{it} \\ &+ \alpha_7 Abn_Accruals_{it} + \alpha_8 Vol_Cash_Flow_{it} \\ &+ \alpha_9 CHG_NOLCF_{it} + \alpha_{10} NOLCF_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

$Cash_ETR_Volatility$: ریسک مالیاتی که به شرح زیر محاسبه می‌گردد:

ریسک مالیاتی = انحراف معیار نرخ مؤثر مالیات برای یک دوره ۵ ساله

$Cash_ETR$: نرخ مؤثر مالیاتی

$SIZE$: لگاریتم طبیعی دارایی‌ها

$PTBI$: سود دفتری قبل از مالیات تقسیم بر کل دارایی‌های سال قبل

$Leverage$: جمع بدهی‌های بلند مدت پایان سال تقسیم بر جمع دارایی‌های سال قبل

Vol_PTBI : انحراف معیار سود قبل از مالیات تقسیم بر کل دارایی‌های سال قبل که برای یک دوره زمانی ۵

ساله اندازه‌گیری شده است

BTM: ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام پایان سال تقسیم بر قیمت بازار سهام (بر اساس تعداد سهامی که انتشار یافته‌اند)

Abn_Accruals: مربع ارقام تعهدی اختیاری بر اساس مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۶)

Vol_CashFlow: انحراف معیار وجه نقد عملیاتی تقسیم بر کل دارایی‌های سال قبل که برای یک دوره زمانی ۵ ساله اندازه‌گیری شده است.

CHG_NOLGF: تغییر در زیان خالص عملیاتی تقسیم بر جمع دارایی‌های سال قبل

NOLCF: زیان خالص عملیاتی تقسیم بر جمع دارایی‌های سال قبل

ε_{it} : جزء اخلال مدل

برای محاسبه ریسک آتی مالیات از نوسان نرخ مؤثر مالیات در بازه ی زمانی ۵ ساله استفاده می‌شود. در مدل شماره (۲)، نماد $t+1-5t+1-5$ نشان دهنده این است که متغیر ریسک مالیاتی آتی برای هر سال، بر اساس اطلاعاتی با فاصله زمانی ۵ سال جلوتر از متغیر وابسته، محاسبه شده است.

جدول (۱) - مبانی نظری متغیرهای کنترلی

متغیر کنترلی	دلیل استفاده از متغیرهای کنترلی
اندازه شرکت	شرکت‌های کوچکتر نوسانات بازده را بیشتر تجربه می‌کنند (پاستور و ورنسی، ۲۰۰۳)
اهرم مالی	کنترل ریسک تحمیل شده ناشی از بحران مالی و محدودیت‌های سرمایه (راجگوپال و و ناچالام، ۲۰۱۱)
نسبت PTBI	کنترل فرصت‌های رشد شرکت
ارقام تعهدی اختیاری	کنترل احتمال استفاده از این متغیرها در دستکاری سود یا رسیدن به اهداف گزارشگری (راجگوپال و و ناچالام، ۲۰۱۱)
سود عملیاتی قبل از کسر مالیات	به منظور کنترل عملکرد شرکت و همچنین دارای رابطه منفی با نوسانات بازده سهام است (هانلون و همکاران، ۲۰۰۴)
زیان سنواتی	کنترل اثری که می‌تواند بر نوسان نرخ مالیات در آینده داشته باشد.
تغییر در زیان عملیاتی	شرکت‌ها از این متغیرها در جهت کاهش تعهدات مالیاتی استفاده می‌کنند
نوسانات سود قبل از کسر مالیات	به منظور کنترل ریسکی بودن شرکت
نوسان وجه نقد عملیاتی	

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۴- روش آزمون فرضیه سوم

به منظور آزمون فرضیه دوم از آزمون مقایسه میانگین ها استفاده شده است.

مالکیت دولتی: طبق ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور، شرکت دولتی واحد سازمانی است که با اجازه قانون تشکیل شده و بیش از ۵۰٪ سهام آن به صورت مستقیم یا غیر مستقیم متعلق به دولت باشد. اگر بیش از ۵۰٪ سهام شرکت متعلق به دولت باشد، به متغیر مالکیت دولتی عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ تعلق می گیرد.

۴-۴- روش آزمون فرضیه چهارم

مدل شماره (۳)

$Cash_ERT_Volatility_{it+1-5}$

$$= \alpha_0 + \alpha_1 Cash\ ETR_{it} + \alpha_2 Own_{it} + \alpha_3 Own_{it} \times Cash\ ETR_{it} + \alpha_4 SIZE_{it} + \alpha_5 PTBI_{it} + \alpha_6 Leverage_{it} + \alpha_7 Vol_PTBI_{it} + \alpha_8 BTM_{it} + \alpha_9 Abn_Accruals_{it} + \alpha_{10} Vol_CashFlow_{it} + \alpha_{11} CHG_NOLCF_{it} + \alpha_{12} NOLCF_{it} + \varepsilon_{it}$$

OWNOWN: مالکیت دولتی

۵- تجزیه و تحلیل داده ها

۵-۱- تخمین مدل اول

به منظور آزمون فرضیه اول، مدل (۱) به روش رگرسیون لجستیک تخمین زده می شود:

جدول (۲) - تخمین مدل (۱) به روش رگرسیون لجستیک

کوانتیل اول	کوانتیل دوم	کوانتیل سوم	کوانتیل چهارم	کوانتیل پنجم	
-۱۴۵/۰۰	-۰/۵۱۷	۹/۵۷۰	۳۸/۷۳	۳۲/۸۷	ضریب
-۲/۶۶	-۰/۰۶۰	۰/۷۵۰	۲/۶۱	۸۱/۲	آماره T
۰/۰۰	۰/۹۵	۰/۴۵	۰/۰۰	۰/۰۰	معناداری
۱/۴۸	-۱/۰۹	-۲/۴۰	-۷/۷۰	-۶/۷۵	عرض از مبدأ
۰/۰۴	۰/۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۴	۰/۰۳	ضریب تعیین
۷/۲۱ (۰/۰۰)	۰/۰۰۳ (۰/۴۳)	۰/۵۶۸ (۰/۴۵)	۷/۳۵ (۰/۰۰)	۸/۵۸ (۰/۰۰)	آماره F (سطح معناداری)

منبع: یافته های پژوهش

با توجه به نتایج حاصل از برآورد مدل (۱) به روش رگرسیون لجستیک در هر طبقه، آماره F نشان از معناداری مدل برآورد شده در کوانتیل اول، چهارم و پنجم دارد. ضریب متغیر نرخ مؤثر مالیاتی نشان دهنده پایداری نرخ مؤثر مالیات در هر کوانتیل می‌باشد. چنانچه ضریب متغیر مستقل مثبت باشد، نشان از پایداری نرخ در کوانتیل مورد بررسی دارد. در کوانتیل اول، ضریب منفی متغیر نرخ مؤثر مالیاتی نشان می‌دهد که نرخ‌های مؤثر مالیاتی پایین‌تر، پایداری کمتری دارند. در پرتفوه‌های چهارم و پنجم، مثبت بودن ضریب نرخ مؤثر مالیاتی نشان از پایداری نرخ مؤثر در نرخ‌های بالاتر مالیاتی دارد. بنابراین به طور کلی، شرکت‌هایی که نرخ مؤثر مالیات آن‌ها بالاتر است، پایداری مالیاتی بالاتری دارند.

۲-۵ - نتیجه آزمون فرضیه دوم

در تخمین مدل (۲) به روش حداقل مربعات تعمیم یافته، به منظور رفع مشکل همبستگی سریالی^۱ و ناهمسانی واریانس^۲ از روش‌های خطاهای استاندارد مقاوم در نرم افزار Eviews استفاده شده است.

جدول (۳) - تخمین مدل (۲) به روش حداقل مربعات تعمیم یافته

معناداری	آماره T	ضریب	متغیر مستقل
۰/۰۰	۲۵/۳۴	۰/۰۳۹	عرض از مبدأ
۰/۰۰	-۱۲/۵۱	-۰/۰۰۵	CashETR
۰/۰۰	-۱۴/۴۷	-۰/۰۰۱	SIZE
۰/۰۰	-۷/۴۵	-۰/۰۲۲	PTBI
۰/۰۰	۱۰/۵۵	۰/۰۲۸	Leverage
۰/۰۰	۲/۷۱	۰/۰۲۴	Vol_PTBI
۰/۱۱	-۱/۵۵	-۰/۰۰۰۲	BTM
۰/۲۸	۱/۰۶	۰/۰۰۲	Abn-Accruals
۰/۰۰	۳/۲۲	۰/۰۲۵	Vol_CashFlow
۰/۰۳	-۲/۱۱	-۰/۱۱	CHG_NOLCF
۰/۱۱	۱/۵۵	۰/۰۶۳	NOLCF
۰/۳۷	ضریب تعیین	۴۱/۱۸	آماره F

1. Serial Correlation
2. Hetero Skedastisti

متغیر مستقل	ضریب	آماره T	معناداری
معناداری آماره F	۰/۰۰	دوربین واتسون	۱/۶۴

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه حاصل از آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد که ضریب متغیر نرخ مؤثر مالیاتی برابر با $۰/۰۵-$ بوده که دارای سطح معناداری $۰/۰۰$ می‌باشد و نشان از وجود رابطه معکوس و معنادار بین نرخ مؤثر مالیاتی و ریسک مالیاتی آتی دارد. بدین معنا که چنانچه شرکت‌ها با هدف کاهش مالیات در کوتاه مدت، از طریق راهکارهای موقت اجتناب مالیاتی و رویه‌های کاهش دهنده پرداخت مالیات، نرخ مؤثر مالیاتی را پایین نگه دارند، به دلیل ماهیت موقتی و زودگذر این رویه‌ها، نوسان نرخ مؤثر مالیاتی را در آینده تجربه می‌کنند که این موضوع منجر به پرداخت مالیات بیشتر و احتمالاً پرداخت جرایم در آینده می‌گردد. این عدم اطمینان نسبت به پیش‌بینی جریان وجه نقد، ریسک مالیاتی شرکت را بالا می‌برد.

۵-۳ - نتیجه آزمون فرضیه سوم

جدول (۴) - آزمون مقایسه میانگین‌ها

اطلاعات آماری متغیر طبقه‌بندی شده				دسته‌بندی بر اساس نوع مالکیت		
انحراف معیار میانگین	میانگین	تعداد	نوع مالکیت	معناداری	آماره	
۰/۰۰۳	۰/۱۰	۵۱۹	دولتی	۰/۰۰	۱۱/۹۶	آزمون T
۰/۰۰۴	۰/۱۶	۲۷۶	خصوصی			

منبع: یافته‌های پژوهش

آماره T برابر با $۱۱/۹۶$ و سطح معناداری آن $۰/۰۰$ است. بنابراین بین نرخ مؤثر مالیاتی در شرکت‌های با مالکیت خصوصی و دولتی تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین شرکت‌های با مالکیت دولتی، انگیزه کمتری برای استفاده از اجتناب مالیاتی و کمینه‌سازی نرخ مؤثر مالیات دارند.

۵-۴ - نتیجه آزمون فرضیه چهارم

در تخمین مدل (۳) به روش حداقل مربعات تعمیم یافته، به منظور رفع مشکل همبستگی سریالی و ناهمسانی واریانس از روش‌های خطاهای استاندارد مقاوم در نرم افزار Eviews استفاده شده است.

جدول (۵) - تخمین مدل (۳) به روش حداقل مربعات تعمیم یافته

متغیر مستقل	ضریب	آماره z	معناداری
عرض از مبدأ	۰/۰۴۱	۲۳/۷۴	۰/۰۰
CashETR	-۰/۰۵	-۶/۶۳	۰/۰۰
OWN	-۰/۰۰۴	-۲/۳۳	۰/۰۱
OWN*TAX	-۰/۰۷۵	۱/۰۶	۰/۰۳
SIZE	-۰/۰۰۱	-۱۷/۷۱	۰/۰۰
PTBI	-۰/۰۲۲	-۷/۸۵	۰/۰۰
Leverage	۰/۰۲۸	۱۰/۸۴	۰/۰۰
Vol_PTBI	۰/۰۲۳	۲/۸۰	۰/۰۰
BTM	-۰/۰۰۰۱	-۱/۱۲	۰/۲۶
Abn_Accruals	۰/۰۰۲	۰/۹۵	۰/۳۴
Vol_CashFlow	۰/۰۲۷	۳/۳۵	۰/۰۰
CHG_NOLCF	-۰/۰۱۲	-۲/۲۳	۰/۰۲
NOLCF	۰/۰۷۴	۱/۶۵	۰/۰۹
آماره F	۳۳/۸۵	ضریب تعیین	۰/۳۷
معناداری آماره F	۰/۰۰	دوربین واتسون	۱/۶۵

منبع: یافته‌های پژوهش

مطابق نتیجه حاصل از آزمون فرضیه چهارم، ضریب متغیر نرخ مؤثر مالیاتی با در نظر گرفتن نوع مالکیت، برابر با $-۰/۰۷۵$ و دارای سطح معناداری $۰/۰۳$ بوده که نشان می‌دهد مالکیت دولتی بر رابطه نرخ مؤثر مالیاتی و ریسک مالیاتی اثر معنادار دارد. با مقایسه ضرایب متغیر متغیرها در مدل های ۲ و ۳ معلوم می‌شود رابطه معکوس بین نرخ مؤثر مالیاتی و ریسک مالیاتی آتی در شرکت‌های دولتی قوی‌تر است.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

این دیدگاه که مدیران به منظور کاهش در پرداخت‌های مالیاتی با استفاده از روش‌های پر ریسک، از جمله اجتناب مالیاتی، نرخ مؤثر مالیات را کاهش می‌دهند، می‌طلبید که پژوهشی در زمینه پایداری مالیاتی و همچنین رابطه نرخ مؤثر مالیات با ریسک مالیاتی صورت گیرد. چه بسا کاهش نرخ مؤثر مالیاتی جاری، شرکت را وادار به

رویارویی با پرداخت‌های مالیاتی نماید که تاکنون به کمک اجتناب مالیاتی یا روش‌های موقت کاهش نرخ مؤثر مالیات، مخفی شده‌اند و اکنون پس از انقضای دوره تشویق‌های مالیاتی یا راهکارهای کاهش پرداخت مالیات، نمایان می‌شوند و افزایش نرخ مالیاتی را برای شرکت پیش می‌آورند.

نتیجه آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد شرکت‌هایی که در طبقه پایین‌ترین نرخ‌های مؤثر مالیاتی قرار دارند، پایداری مالیاتی کمتری نیز دارند که دلیل این موضوع استفاده از راهکارهای موقتی در کاهش پرداخت‌های مالیاتی است. به عبارت دیگر شرکت‌هایی که نرخ مؤثر مالیاتی بالاتری دارند، به دلیل اینکه پرداخت‌های مالیات آنان تقریباً برابر و یا نزدیک به نرخ مالیاتی قانونی می‌باشد، معمولاً تعدیل‌های مالیاتی کمتری انجام داده و در نتیجه پایداری مالیاتی آنان بیشتر است. نتیجه آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد که کمینه‌سازی نرخ مؤثر مالیاتی، با ایجاد نوسان در نرخ مؤثر مالیاتی آینده، ریسک مالیاتی شرکت را افزایش می‌دهد و به نوعی تأیید مجدد فرضیه اول است. به عبارت دیگر شرکت‌هایی که از طریق تأخیر در پرداخت مالیات، اقدام به اجتناب مالیاتی می‌نمایند، باعث ایجاد ابهام در خصوص پرداخت‌های مالیاتی آتی می‌گردند. بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های سوم و چهارم، شرکت‌های دارای مالکیت دولتی به دلیل عدم نگرانی در خصوص کاهش وجه نقد ناشی از پرداخت‌های مالیاتی، انگیزه کمتری برای اجتناب مالیاتی دارند و این شرکت‌ها نرخ مؤثر مالیاتی بالاتر و ریسک مالیاتی آتی پایین‌تری دارند.

نتایج آزمون فرضیه‌ها با انتظار اولیه نویسندگان و مبانی نظری پژوهش مطابقت دارد. از آنجا که تا به حال پژوهشی در خصوص پایداری مالیاتی در ایران انجام نشده، امکان مقایسه نتیجه آزمون فرضیه با سایر پژوهش‌ها بسیار محدود است. برای نمونه جنتر و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند شرکت‌های دارای نرخ مؤثر مالیات پایین‌تر، پایداری مالیاتی بیشتری دارند که با نتیجه پژوهش حاضر مغایرت دارد. همچنین پژوهش گرانی مانند مک گوایر و همکاران (۲۰۱۲)، نیومن و همکاران (۲۰۱۲) و جنتر و همکاران (۲۰۱۳)، به‌طور غیر مستقیم نشان می‌دهند که وجود پایداری مالیاتی بر کاهش ریسک شرکت مؤثر است. پژوهشگرانی مانند غفاری و منصوری (۱۳۹۴)، قربانی و همکاران (۱۳۹۳)، دایرنگ و همکاران (۲۰۱۴)، نیومن و همکاران (۲۰۱۳ و ۲۰۱۶) نشان دادند که کاهش نرخ مؤثر مالیاتی بر افزایش ریسک مالیاتی اثرگذار است که با نتایج پژوهش حاضر سازگار است. ولی جنتر و همکاران (۲۰۱۳ و ۲۰۱۷) نشان دادند که بین نرخ مؤثر مالیاتی و ریسک مالیاتی رابطه مثبت وجود ندارد. بر اساس تحقیقات ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶) و نجفی مقدم و نژاد ساروکلایی (۱۳۹۴)، مالکیت دولتی اثری بر اجتناب مالیاتی ندارد که با نتایج پژوهش حاضر مغایر است.

با توجه به نتایج بدست آمده به کلیه استفاده‌کنندگان در صورت‌های مالی (اعم از سهامداران و وام‌دهندگان)

توصیه می‌شود که در تصمیمات سرمایه‌گذاری و یا اعطای وام، به کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌هایی که از نرخ مؤثر مالیاتی بالایی برخوردار هستند، اطمینان بیشتری نموده و حتی الامکان در سرمایه‌گذاری و یا اعطای وام به شرکت‌هایی که از نرخ مؤثر مالیاتی پایینی برخوردار هستند، با محافظه‌کاری بیشتری برخورد نمایند. به تدوین‌کنندگان مقررات مالیاتی توصیه می‌گردد که حتی الامکان راه‌های تأخیر در پرداخت مالیات شرکت‌ها را با وضع قوانین مناسب و ایجاد مکانیزم‌هایی جهت محاسبه و وصول مستقیم و سریع‌تر مالیات در فعالیت‌های اقتصادی، مسدود نمایند تا از این طریق مانع افزایش ریسک مالیاتی شرکت‌ها (و به تبع آن مانع افزایش احتمال ضرر و زیان سرمایه‌گذاران) گردند.

این دیدگاه وجود دارد که شرکت‌ها با ورود به معاملات پیچیده، مانند روی آوردن به فعالیت‌هایی که مشمول نرخ مالیات پایین هستند ولی از نظر سیاسی عملاً پرهزینه می‌باشند، ورود به معاملات پرمخاطره مانند استفاده از پناهگاه‌های مالیاتی در کشورهای با وضعیت اقتصادی بی‌ثبات و عدم گزارش فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای دیگر و سایر روش‌ها، پرداخت‌های مالیات را کاهش داده و یا به تعویق بیندازند. به سازمان امور مالیاتی پیشنهاد می‌گردد کارگاه‌های آموزشی جهت آگاهی بخشی از عواقب بلند مدت و کوتاه مدت استفاده از استراتژی‌های مالیاتی، جهت آموزش مؤدیان مالیاتی برگزار نماید.

با اجرای طرح جامع مالیاتی از سال ۱۳۹۳ و تأکید بر اجرایی نمودن ماده ۹۷ ق.م.م.صوب ۱۳۹۴/۰۴/۳۱ از سوی سازمان امور مالیاتی، حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک انجام می‌شود. یعنی اظهارنامه ابرازی شرکت‌هایی دارای ریسک مالیاتی پایین هستند، بدون حسابرسی مالیاتی پذیرفته می‌شود. لذا به شرکت‌ها توصیه می‌شود با پایین نگه داشتن ریسک مالیاتی و افزایش یکنواختی مالیاتی خود، از شمول شرکت‌های پر ریسک خارج گردند.

فهرست منابع

۱. آقای، اله محمد (۱۳۸۰). بررسی معافیت زیر بخش‌های کشاورزی در نظام مالیاتی ایران، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی.
۲. ابراهیمی، کاظم، بهرامی نسب، علی، حسن زاده، مهدی (۱۳۹۶). واکاوی کیفیت گزارش‌گری مالی و اجتناب مالیاتی در پرتو مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی. فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت سازمان‌های دولتی، دوره پنجم، شماره ۲، پیاپی ۱۸، ۶۱-۷۶.
۳. اعتمادی، حسین، سپاسی، سحر، ساری، محمدعلی (۱۳۹۶). ارزیابی ریسک سیاست‌های کمینه‌سازی مالیات شرکت‌ها. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۴، شماره ۵۴، ۱-۱۷.
۴. پورحیدری، امید، شفیعی همت آباد، حمیده (۱۳۹۲). بررسی تأثیر تغییر نرخ مالیاتی شرکت‌ها بر مدیریت سود: مورد مطالعه اصلاحیه قانون مالیات‌های سال ۱۳۸۰. پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، دوره ۲، شماره ۱: ۲۵-۴۴.
۵. جبارزاده کنگرلویی، سعید، بهنمون، یعقوب، بهزادی، نهاد، شکوری، سمیرا (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت با تأکید بر هزینه نمایندگی و کیفیت افشای شرکتی، فصلنامه علمی - پژوهشی راهبرد مدیریت مالی، دوره ۴، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵: ۲۵-۴۸.
۶. حسنی، محسن، شفیعی، سعیده (۱۳۸۹). تخمین نرخ مؤثر مالیاتی در پایه‌های مشاغل و اشخاص حقوقی. فصلنامه پژوهشنامه مالیات، شماره ۸: ۱۲۵-۱۵۱.
۷. خانی، عبدالله، ایمانی، کریم، یوسفی، امین (۱۳۹۳). اجتناب از مالیات، نحوه اندازه‌گیری و عوامل مؤثر بر آن، پژوهش حسابداری، دوره ۴، شماره ۴، پیاپی ۱۵: ۱۲۱-۱۴۲.
۸. دی گان، گری گ، آنرمن، جفری (۱۳۹۱). تئوری حسابداری مالی، چاپ دوم، ترجمه علی پارسائیان، انتشارات ترمه، تهران.
۹. رضایی، فرزین، ویسی حصار، ثریا (۱۳۹۳). اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین تمرکز مالکیت با کیفیت گزارشگری مالی و هزینه سهام عادی. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۱، شماره ۴، ۴۴۹-۴۷۰.
۱۰. رضایی، فرزین، جعفری نیارکی، آقای روح‌اله (۱۳۹۴). رابطه بین اجتناب مالیاتی و تقلب در حسابداری شرکت‌ها، فصلنامه پژوهشنامه مالیات، جلد ۲۳، شماره ۲۶، ۱۰۹-۱۳۴.
۱۱. شباهنگ، رضا (۱۳۸۷). تئوری حسابداری، جلد اول، انتشارات مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و

حسابرسی سازمان حسابرسی، چاپ ششم.

۱۲. قربانی، الهام، ایزدی، حسن و صابر جلیلی (۱۳۹۳). عوامل مالیاتی مؤثر بر ریسک شرکت، کنفرانس بین‌المللی حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی.

۱۳. گادفری، جین، هادسون، آلن (۱۳۹۲). تئوری حسابداری، چاپ دوم، ترجمه علی پارسائیان، انتشارات ترمه، تهران.

۱۴. گلستانی، شهرام، دلدار، مصطفی، سیدی، سید جلال، جعفری شورجه، سید حبیب (۱۳۹۳). رابطه نرخ مؤثر مالیاتی با سیاست تقسیم سود و بازده سهام. فصلنامه پژوهشها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیست و دوم، شماره ۷۰: ۱۸۱-۲۰۴.

۱۵. مهرانی، ساسان، کرمی، غلامرضا، سید حسینی، مصطفی، جهرومی، مهتاب (۱۳۹۲). تئوری حسابداری، چاپ دوم، انتشارات نگاه دانش، تهران.

۱۶. مرعی اذکار، مریم، رضایی فرزین (۱۳۹۴). ریسک مالیاتی بر ریسک آتی شرکت، اولین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد کاربردی و تجارت.

17. Annuar, H. A., Salihu, I. A., & Sheikh Obid, S. N. (2014). Corporate Ownership, Governance and Tax Avoidance: An Interactive Effects. *Procedia- Social and Behavioral Science*, 164, 150-160.

18. Badertscher, B., S. Katz, and S. Rego. (2013). The Separation of Ownership and Control and Corporate Tax Avoidance. *Journal of Accounting and Economics* 56, 228-250.

19. Chen, S., X. Chen, Q. Cheng, and T. Shevlin (2010). Are family firms more tax aggressive than non-family firms? *Journal of Financial Economics* 95: 41-61.

20. Deloitte LLP. (2013). *Responsible Tax: Sustainable Tax Strategy*.

21. Desai, M., Dharmapala, D., Fung, W. (2007). *Taxation and the Evolution of Aggregate Corporate Ownership Concentration*. Cambridge University Press, New York, 345-383.

22. Desai, M. & Dharmapala, D. (2009). Earnings Management, Corporate Tax Shelters, and Book-Tax Alignment, *National Tax Journal*, 62.

23. Dyreng, S., M. Hanlon, and E. Maydew. (2008). Long-run Corporate Tax Avoid-

- ance. *The Accounting Review* 83: 61–82.
24. Dyreng, S., M. Hanlon, and E. Maydew. (2014). Rolling the Dice: When does Tax Avoidance Result in Tax Uncertainty? Working paper, Duke University, Massachusetts Institute of Technology, and The University of North Carolina.
25. Graham, J., M. Hanlon, T. Shevlin and N. Shroff. (2014). Incentives for Tax Planning and Avoidance: Evidence from the Field. *The Accounting Review*, 89, 991-1023.
26. Guenther, D., S. Matsunaga, and B. Williams (2013). Tax Avoidance, Tax Aggressiveness, Tax Risk, and Firm Risk. Working paper, University of Oregon.
27. Guenther., D., S. Matsunaga and Williams, B .(2017). *The Accounting Review*, 92, No. 1, January 2017 , 115–136.
28. Hanlon, M., Heitzman, S., (2010). A Review of Tax Research. *Journal of Accounting and Economics*, 50, 127–178.
29. Hanlon, M., S. Rajgopal, and T. Shevlin (2004). Large Sample Evidence on the Relation between Stock Options and Risk Taking. Working paper, University of Washington.
30. Hasan, I., C. Hoi, Q. Wu, and H. Zhang. (2014). Beauty is in the Eye of the Beholder: the Effect of Corporate Tax Avoidance on the Cost of Bank Loans. *Journal of Financial Economics*, 113, 109-130.
31. Healy, P., (1985). The Effect of Bonus Schemes on Accounting Decisions, *Journal of Accounting and Economics*, 7, 85–107.
32. Healy, P. and Palepu, K. G., (1993), The Effect of Firms' Financial Disclosure Policies on Stock Prices, *Accounting Horizons*, 7, 1–11.
33. Hutchens, M., and S. O. Rego. (2015). Tax Risk and the Cost of Equity Capital. Working paper, Indiana University.
34. Itoh, K., (2007), Corporate Valuation, Nihon Keizai Shimbunsha.
35. KPMG LLP. (2007). The Governance of Tax: A Discussion Paper. Available at: <http://www.audit-committee>.
36. McGuire, S., S. Neuman, and T. Omer. (2013). Sustainable Tax Strategies and Earn-

- ings Persistence. Working paper, Texas A&M University and University of Nebraska-Lincoln.
37. Neuman, S., T. Omer and A. Schmidt. (2013). Risk and Return: does Tax Risk Reduce Firms' Effective Tax Rates? Working paper, Texas A&M University and North Carolina State University.
38. Neuman, S., T. Omer and A. Schmidt. (2016). Assessing Tax Risk: Practitioner Perspectives: (July 2, 2018). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2579354>.
39. Phillips, J.D (2003). Corporate Tax-planning Effectiveness: the Role of Compensation-based Incentives, *The Accounting Review*, 78.
40. Pastor, L., and P. Veronesi. (2003). Stock Valuation and Learning about Profitability. *Journal of Finance* 58: 1749-1789.
41. Rajgopal, S., and M. Venkatachalam. (2011). Financial Reporting Quality and Idiosyncratic Return Volatility. *Journal of Accounting and Economics* 51: 1-20.
42. Rego, S., and R. Wilson. (2012). Equity Risk Incentives and Corporate Tax Aggressiveness. *Journal of Accounting Research*, 50, 775-809.
43. Shevlin, T., O. Urcan, and F. Vasvari. (2013). Corporate Tax Avoidance and Public Debt Costs. University of California - Irvin and London Business School working paper.